

زیر آسمان فیروزهای

کتاب جدید عضو خانواده حقیقی رونمایی شد

حقایقی

درباره «اوژن، پسر «ابراهیم»

● **سحر آزاد:** اوژن حقیقی هم انگار راه پدر را پیش گرفته، پدری که در رشته معماری تحصیل کرد، در رشته گرافیک مشهور شد، علاوهبر ساخت دو فیلم «غریب» و «خانه ابری» در زمینهٔ انیمیشن، طراحی صحنه، تیتراژ سینما و تلویزیون فعالیت کرد و با نوشتن کتاب «مشق‌های خط نخورده» و «روپرو» وارد ادبیات شد. اوژن حقیقی نیز در ایران گرافیک خوانده، به دومی رفت تا در رشته سینما تحصیل کند، در تئاتر و سینما فعالیت می‌کند و درحال حاضر نیز کتاب داستان‌های کوتاه خود را روانه بازار کرده‌است. البته حقیقی پسر، فعالیت‌های هنری خود را تنها از پدر به ارث نبرده، پدربزرگ پدری او یکی از اولین عکاسان لاس‌آز را بود و مادرش هم کلی توکلی، تصویر گر و مجسمه‌ساز است. حالا او یکی از اضلاع مثلثی است که می‌خواهد راه هنری خانواده را ادامه دهد. اوژن حقیقی متولد ۱۳۶۱ است که این روزها کتاب «زیباترین گل کافتی سپید دنیا» از او روانه بازار شده است. او پیش از این کتاب «چشم‌های غبارآلود، دست‌های مه‌گرفته» (مجموعه اشعار و عکس‌ها) را منتشر کرده بود و در دومین کتاب تقدیم کرد، «روایت خود را از نحوه آشنایی با حضور چهره‌هایی همچون سراج هوسنا، فاطمه معتمدآریا، صابر ابر، فرهاد توحیدی، رضا حداد، کامبوزیا پرتوی... و در شهر کتاب فرشته رونمایی شد. ناهید طباطبایی ویراستاری و رضا کبلیان، بازنگر سینما نوشتن مقدمه آن را انجام داده‌اند. همچنین «زیباترین گل کافتی سپید دنیا» به حمید سمندریان، کارگردان نام‌آشنای تئاتر اهدا شد. حقیقی که فیلم کوتاهی نیز به همراه ستاره اسکندری درباره سمندریان ساخته‌است، درباره اهدای کتاب به این هنرمند گفت: «یکی از داستان‌های کتاب با نام «آدم‌ربا» در مورد اوست. سمندریان نقش مهمی در زندگی هنری من داشت و از آنجاکه دیگر در بین ما نیست، در مراسم رونمایی، کتاب را به خاتم روستا تقدیم کردم.»
روایت خود را از نحوه آشنایی با سمندریان این‌طور بیان کرد: «۱۷ ساله بودم که با خانواده به دیدن تئاتر «دایره گچی قفقازی» رقتیم و بعد از آن هر روز به آنجا می‌رفتم تا بالاخره سمندریان قبول کرد جزو سیاهی لشکرهایش شوم. به‌تغیر از رابطه خانوادگی که از قبل با خانواده سمندریان داشتم، کار کردن کنار او باعث شد رابطه بیشتری با سمندریان پیدا کنم و در تئاتر بعدی‌اش «باری استریندر برگ» دستیار صحنه و لباس شدم. سمندریان معلم خیلی بزرگی برایم بود.»او سپس به جزئیات کتاب اشاره کرد: «این اثر شامل ۱۰ داستان کوتاه است که در نگاه اول به‌نظر می‌آید خاطرات نویسی و روایت تجربیات خدوم هستند اما در خیلی از داستان‌ها خیال هم وارد شده است. اصل همه داستان‌ها یک خاطره واقعی است اما حواشی و اتفاقاتی که در کنار آن بیان شده، واقعی نیستند.»حقیقی با بیان اینکه ایده شکل‌گیری کتاب از علاقه‌اش به مطب



پزشکان آغاز شد، ادامه داد: «بعضی از افراد منتظری که در مطب نشست‌اند، هیچ حرفی با یکدیگر ندارند و تنها به هم نگاه می‌کنند اما بعضی‌ها کنج‌جو هستند و سر صحبت را باز می‌کنند. این موضوع برایم جذاب بود. از اواخر سال ۹۱ شروع به نوشتن داستان مطب‌ها کردم. گاهی دو اتفاقی را که یکی مربوط به گذشته و دیگری به زمان حال است، با هم ترکیب کرده‌ام. داستان‌ها از گذشته شروع می‌شوند و در انتها به زندگی امروزی و روابط آدم‌ها می‌رسند. با این کار می‌خواستم تفاوت روابط میان افراد و زندگی اجتماعی گذشته و امروز برای خواننده محسوس باشد.» او همچنین اولین فیلم کوتاه خود را در ۱۸سالگی ساخته و ضمن بازی در فیلم «من ترانه ۱۵سال دارم» در فیلم «دیشب بابانو دیدم آپدا» دستیار دوم رسول صدرعاملی بوده است. حقیقی درنظر دارد همچنان فیلمسازی را ادامه دهد و این روزها به همراه فرید مصطفوی در حال نوشتن یک فیلمنامه برای اثری ۳۰ دقیق‌ه‌ای است. با این‌همه نوشتن نیز یکی از دغدغه‌های این نویسنده جوان است و به همین دلیل یکی دیگر از برنامه‌های آینده‌اش گردآوری مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه از ۱۰ نویسنده است.

پیشنهاد روز

عصر خردادی با محمد محمدعلی

● **شرق:** محمد محمدعلی این‌روزها پس از یک‌دوره طولانی دوری از وطن، به ایران بازگشته او به‌دنبال رونمایی شماری از کتاب‌هایش در بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، قرار است در جمع علاقه‌مندان‌ش هم حاضر شود. انتشار این کتاب‌ها در ایران بهانه‌ای برای موسسه بهاران شد تا عصر بزرگداشت او را روز اول خرداد در محل این موسسه برگزار کند و از آثار تازه‌اش بیشتر بگوید. در این برنامه که «عصر نویسنده» نام دارد و به کوشش شیوا مقانلو برگزار می‌شود علی‌رضا سفیدالدینی و علی شروقی از آثار محمدعلی می‌گویند. مراسم بزرگداشت محمد محمدعلی پنجشنبه اول خرداد از ساعت پنج تا هفت معازظهر در محل موسسه بهاران، واقع در خیابان ولیعصر(عج) بالاتر از زرتشت، روی‌رویی پمپ بنزین، کوچه نوربخش پلاک ۲۱ برگزار خواهد شد. محمد محمدعلی اسامال قصه‌تیمینه، از ما بهتران، چشم دوم و چند داستان دیگر، شاملوبی که من می‌شناختم، دریغ از رویه‌رو، بازنشستگی و چند داستان دیگر را روانه بازار نشر کرد.

فرانک آر تا: با همان ژست همیشگی؛ دست روی گونه به دوربین نگاه می‌کند، چهره‌اش سال‌هاست عوض نشده؛ فقط محاسن همیشگی‌اش به سپیدی گراییده و نگاه نگرانش انگار نگران‌تر از همیشه است. او به چه فکر می‌کند؟ تهران و تنه‌ای‌هایش؟ شاید هیچ عکاس پرتزهای نتواند «مسعود کیمیایی» را در حالتی غیر از این به تصویر بکشد. او، واقعی است. غروب ۱۸ اردیبهشت هم که شهرام ناظری در کنار جعفر والی برای اهدای پرتزه «سلطان سینمای ایران» روی سن آمد؛ همین چهره در قاب دوربین فخرالدین فخرالدینی تصویر شده بود. خیلی‌ها به مراسم تجلیل از کیمیایی آمده بودند؛ از نویسنده و شاعر گرفته تا موسیقیدان و بازیگر و فیلمساز: داریوش شایگان، جعفر والی، بهروز افخمی، جواد مجابی، محمدرضا فروتن، اکبر زنجانبور، پولاد کیمیایی، هوشنگ گلمکانی، منوچهر اسماعیلی، احمد پوری، احمد طالبی‌نژاد،

پری زنگنه، لیلی گلستان و شماری دیگر از چهرای شناخته‌شده فرهنگی همه و همه زیر سقف کانون زبان فارسی جمع شدند تا از مردی تقدیر کنند که راوی تهران است؛ کارگردانی از دل مرکز تاریخی تهران، از کوچه «سیدابراهیم» خیابان ری که با فیلم «قیصر» موج نوی تاریخ سینمایی ایران را رقم زد؛ کارگردانی که به گفته خودش به یکباره چشم باز کرده و دیده ۷۰ساله شده است و خیلی کارها نکرده؛ نه فیلم ساخته، نه چیزی نوشته؛ «خیلی کارها باید می‌کردم، جوی‌هایی در من روان است...» اما برخلاف نظر او این ۷۰سال برگ مهمی از تاریخ سینمای ایران را ورق زده است. علی دهباشی و مجله به‌آر را ادامه برنامه‌های فرهنگی بزرگداشت خود این بار سرانجام کیمیایی رفتند و از او و آثار تاثیرگذارش گفتند؛ هنرمندی که به گفته علی دهباشی جایگاهی زربین در فرهنگ و هنر ایران دارد و سه نسل با او زندگی کردند.

روایت مشایخی از «قیصر»

صحبت از کیمیایی بدون گفتن از قیصر لطفی نداشت. برای گفتن از قیصر، جمشید مشایخی به روی صحنه آمد. خان‌دایی قیصر و فرمان از خاطره‌های روزهای قیصری گفت و علاقه‌اش به «مسعودخان کیمیایی» و اینکه به‌خاطر اوست که اینجاست، او درباره بازی در این فیلم گفت: «سال ۱۳۳۸، آقای شاپوریز در قید حیات بود. از بنده و عزیز بازیگری دعوت کردند که به دفتر ایشان برویم و با آقای کیمیایی در مورد فیلمی که می‌خواستند بسازند صحبت کنیم؛ فیلم قیصر. آن عزیز بازیگر قرار بود نقش خان‌دایی را بازی کند و بنده نقش فرمان را ایشان نیامد و به علت کاری که در اداره تئاتر داشت، شاید هم فکر می‌کرد مشکلی برایش به‌وجود می‌آید. من وارد حیاط آریافلیم شدم، آقای کیمیایی، آقای بهروز، شاپوریز و چند نفر دیگر ایستاده بودند. کیمیایی گفت پیدا کردم، جمشید، خان‌دایی را بازی می‌کند و ناصر (ناصر ملک‌مطیعی) نقش فرمان را.»مشایخی مهم‌ترین ویژگی

فرصتی برای فراموشی تصاویر کلیشه‌ای از ایران

استقبال رسانه‌ها از نمایشگاه «نسل سوخته»

بنای قرن شانزدهمی در کرانه رودخانه «تیمز» لندن میزبان عکاسان ایرانی شده تا روایتگر «نسل‌سوخته»‌ای باشد که تاکنون به‌ندرت در خارج از ایران به روی دیوار رفته است. نمایشگاه «نسل‌سوخته» از ۲۱ فروردین در سامرست‌هاوس لندن تا ۳۴ اثر از هشت عکاس ایرانی در حال برگزاری است. این نمایشگاه تا اول ژوئن برابر با یازدهم خرداد ادامه دارد و در آن دو اثر از آزاده اخلاقی، پنج عکس از گوهر دشتی، پنج اثر از شادی قدربیان، دواتر از بابک کاظمی که یکی از آنها ۱۲قطعه و دیگری ۲۵قطعه است، چهارعکس از عباس کوثری، پنج اثر از علی ناچیان و رامیار منوچهرزاده، شش‌عکس از نیوشا توکلیان و پنج‌اثر از صادق تیرافکن به معرض دید عموم گذاشته شده است. به نقل از سایت سامرست‌هاوس آثار این نمایشگاه قبلا به‌ندرت به نمایش گذاشته شده‌اند و به همین دلیل این نمایشگاه فرصت نادری برای فراموش کردن تصاویر کلیشه‌ای است که تاکنون از ایران و جهان آرایه شده. فریا فرشا، مدیر گالری کندستر است نمایشگاه‌گردان این نمایشگاه نیز هست، با بیان اینکه قصد داشته است عکس‌هایی را نشان دهد که نگاهی فراتر از روایت‌های شخصی و عمومی باشند: «عکس‌های انتخاب‌شده، شیوه‌های متنوعی دارند. برخی از آنها عکاسی مستند، بعضی پرتزه و بقیه آثاری هنری و مفهومی هستند اما موضوع آنها با جغرافیای سیاسی، تاریخ و مسایل شخصی تنیده شده است.»طاعوا نمایشگاه «نسل‌سوخته» توانسته مورد توجه رسانه‌های خارجی نیز قرار گیرد. روزنامه گاردین در دوشماره خود نگاهی به

گروه نیوش که دومین شب اجرای جشنواره «سه‌گانه خلیج‌فارس» را برعهده داشت، کنسرت خود را به احترام محمدرضا لطفی برگزار کرد. اولین جشنواره سه‌گانه خلیج‌فارس، اردیبهشت سال گذشته در سه بخش موسیقی سنتی- کلاسیک با کنسرت کیوان ساکت، خوانندگی سالار عقیلی، کنسرت فرمان فتحعلیان در بخش موسیقی پاپ و کنسرت گروه لیان در بخش موسیقی نواحی ایران برگزار شد. حالا این جشنواره در دومین سال خود به سراغ گروه‌هایی رفته‌است که در زمینه موسیقی تلفیقی فعالیت می‌کنند. گروه کامنت در اولین‌شب جشنواره که ۱۷ اردیبهشت در پردیس سینمایی قلهک برگزار شد، به‌روی صحنه رفت. این گروه قصد داشت در بخشی از کنسرت به رونمایی از تازه‌ترین آلبوم خود با نام «رفته از دست» بپردازد اما به دلیل حجم مخاطبانی که برای حضور در این مراسم آمده بودند، مراسم رونمایی دویار انجام شد و گروه شش قطعه از آلبوم جدید خود را برای مردم اجرا کردند. در بخشی از این کنسرت علی میرمحمدی، مدیر موسسه هابین گستر آرا و برگزارکننده این جشنواره گفت: به دلیل برگزاری چنین جشنواره‌ای اشاره کرد و گفت که

هنر



مراسم تقدیر از کیمیایی برگزار شد

شب «مسعود»

امشب شاترزه نام آنها را بیاورم اما مسعود کیمیایی یکی از این ۳۰ نفر است. کجا شما دیده‌اید که مسعود کیمیایی کار سفارشی کرده باشد، کجا دیده‌اید مجیز کسی را گفته باشد. درباره ساختار فیلم‌های مسعود کیمیایی و تک‌تک کلماتی که او در فیلم‌هایش به کار برده، می‌شود ساعت‌ها بحث کرد؛ بحث محتوا، موضوع، ساختار، روانشناختی و جامعه‌شناختی و مخالف و اکثریت اهل قلم و منتقدان با ایشان و تفکر ایشان موافق بودند؛ مشایخی که در دو فیلم سرب و جرم هم کنار کیمیایی بوده او را فیلمسازی دانست که فقط برای مخاطب داخلی فیلم می‌سازد و هرگز فیلم‌هایش را به جشنواره‌های خارجی نداده است: «هرچند اگر این کار را می‌کرد جایزه‌های زیادی می‌گرفت اما نظر مردم و فرهیختگان داخلی برایش مهم‌تر بود.»اکبر عالمی استاد دانشگاه و منتقد هنری سخنران دیگری بود که درباره کیمیایی و آثارش گفت. عالمی با اشاره به صحبت‌های مشایخی گفت: «آقای جمشید مشایخی از عدالت‌خواهی در فیلم قیصر حرف زدند و من می‌خواهم حرف دیگری را به میان آورم. پرهیز از حسادت، من خدوم وقتی احساس می‌کردم به کسی حسادت می‌ورزم، به خدوم گفتم تو درخت کتوله یاغ هستی، وقتی قد کشیدی دیگر به کسی حسادت نمی‌کنی.»عالمی با اشاره به اینکه نیامدیمی بدون منطق از سینمای کیمیایی ستایش کنیم مهم‌ترین نشانه او را یک ایک دانست: «قیصر» و درباره آن گفت: «کیمیایی در ۲۷سالگی این فیلم را درست می‌کند. تعداد کارگردانی که الان ما در ایران داریم و می‌توانیم نام ببریم، بیش از ۳۰ نفرند که ستارگان یکله سینمای ایران هستند. قرار نیست من

بهروز افخمی سخنران بودی که از تهران مسعود کیمیایی حکایت خود را آغاز کرد و چنین گفت: «نزدیک ۵۰سال است که مردم ایران و اهالی تهران در میان خودشان داستان پرتاز، رموز و غریبی را به نام مسعود کیمیایی پیدا کرده‌اند و به قصه‌هایش دل داده‌اند. او مثل یک غریبه در

میان این ملت بزرگ زندگی و نگاه می‌کند و از نگاهش کلمه می‌سازد. کلمه‌های کیمیایی تصویر و داستان و داستانش هایش گاهی فیلم و گاهی رمان می‌شوند. نثر داستانی مسعود کیمیایی فخیم و زیباست و لحنی غمناک و رازگویانه دارد. توی قلم او و توی نثر او زهری هست. این زهر که کم‌کم خواننده را به حالتی از نیمه‌هوشیاری می‌برد. بهترین فیلم‌های او همین‌طور است، یعنی تماشاگر را نیمه‌هوشیار می‌خواهد. برای درک و دریافت آدم‌ها و رفتار و گفتار داستان‌های او باید خواب و بیدار باشیدی چون آدم‌های او خواب و بیدارند و توی خواب‌بیداری راه می‌روند. آدم‌های کیمیایی زصاد راه می‌روند و تنها یا دسته‌جمعی راه می‌روند و توی شهرها و خیابان‌هایی خواب‌آلود راه می‌روند، او با بیان اینکه نام بیشتر شهرهای داستان‌های او، «تهران» است، افزود: «تهران او با تهرانی که

توی فیلم‌ها و داستان‌های دیگران می‌بینیم و می‌خوانیم فرق دارد. تهران او خسته و بیمار است و خواب و خاطره دارد. تهران او شب و روز دارد و ساعت گرگ و میش، ویرانه‌های زیبای غمگین دارد و کلاه‌های زشت و بد سلیقه. تهران او سال‌های سینمای متروک و از یادرفته دارد و گورستان و خرابه و سطل‌های آشغال در تهران او پیاده‌رو و خیابان‌های تاریک روشن و اتوبوس واحد دارد. تهران کیمیایی نگران و خواب و بیدار است و فقط با کسی آشنایی می‌دهد که نگران و خواب و بیدار باشد. اما بیشتر آدم‌های تهران امروز خواب‌بیدار نیستند. بیشتر آنها با خواب خوابند یا بیدار بیدار و وقتی که بیدار بیدارند دسته‌جمعی سر کارند.»بهزاد عبیدی آهنگساز و مدیر تولید موسوی دیگر کسانی بودند که از کیمیایی گفتند تا نوبت به خود آقای کارگردان رسید. کیمیایی در صحبتی کوتاه با تشکر از برگزار کنندگان مراسم گفت: امشب برای من بسیار افتخارآمیز بود و خوشحالم که وقتی به این جمع نگاه می‌کنم دوستی‌هایی را می‌بینم که سالیان سال ادامه دارد. امروز خوشحالم که در جمع‌های اینچنینی هستم که پیر شده‌ام اما یک‌دیگر را دوست داریم.»او به بهروز ونوقی هم اشاره کرد و از تاثیر او در فیلم‌هایش سخن گفت: «صورت بهروز را دیدید، اما آن حس دوکاره که وجود داشت، صدای منوچهر اسماعیلی است که شنیدید. هنرمند متعلق به خودش نیست بلکه متعلق به جامعه است بنابراین اثر هنری را تولید می‌کند و این اثر گاهی مرزها را می‌شکند و به راه خود می‌رود و حتی تبدیل به میراث گرانبهای بشریت می‌شود.» در این مراسم پرتزهای از مسعود کیمیایی اثر فخرالدین فخرالدینی عکاس پیشکسوت به همراه سه‌جلد دانشنامه فرهنگ مردم ایران توسط ناظری، شایگان، زنگنه، مجابی و شیرمحمدی به کیمیایی اهدا شد. همچنین کارینا کیمیایی برادر زاده این کارگردان، بعد از نواختن قطعاتی برای عمویش، بوسه بر پیشانی او زد.

زیر سقف مصلی

توضیح وزیر درباره عدم‌حضور مقام‌عظم‌هبری در نمایشگاه



● **شرق:** بازدید مقام‌عظم‌رهبری از نمایشگاه کتاب همواره یکی از مهم‌ترین رویدادهایی است که در طول برگزاری مهم‌ترین اتفاق فرهنگی سال رخ می‌دهد.

اما امسال بازدید از نمایشگاه در برنامه‌هایشان قرار نگرفت و مورد سوال بسیاری از ناشران و اهل فرهنگ بود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه رونمایی از چاپ دوم کتاب خاطراتش در نمایشگاه کتاب در جمع خبرنگاران و در پاسخ به سوالی مبنی بر علت حضورنیافتن مقام‌عظم‌رهبری در نمایشگاه کتاب امسال، اظهار کرد: «آقای محمدی گلپایگانی که به نمایشگاه آمدند اعلام کردند که مقام‌عظم‌رهبری به‌دلیل مشغله‌کاری در نمایشگاه حضور پیدا نکردند و ما نیز از نیت دیگری که ایشان داشتند، خبر نداریم.»

حتی در پاسخ به سوالی درباره تسویه‌حساب برخی جریان‌های سیاسی از دولت در نمایشگاه کتاب اظهار کرد: «اما نمی‌توانیم مانع بحث‌های سیاسی شویم. اینجا یک باشگاه فرهنگی بزرگ است و خیلی از کتاب‌ها مورد نقد قرار می‌گیرند و طبیعی است که در کنار این موضوع مباحث سیاسی هم مطرح می‌شود.»

او افزود: «آنچه مهم است نکته‌ای است که آقای رییس‌جمهور هم به آن تاکید داشتند و گفتند که دولت از نقد استقبال می‌کند و همه ما هم از نقد استقبال می‌کنیم اما نباید این نقد به تخریب بینجامد.»

حتی اضافه کرد: «اگر در نمایشگاه یا خارج از آن کار تخریبی صورت بگیرد هر دو غلط و نادرست است اما اگر نقدی سازنده باشد، همه باید از آن استقبال کنند و اشکالی ندارد اگر کسی به نمایشگاه می‌آید و بحث سیاسی هم در آن صورت بگیرد یا یک کتاب سیاسی معرفی کنند و به نقد آن بپردازند.»

هت‌سی‌اچ وان (M8)

بینیپد و حسش کنید، همین الان.

شرکت یاس

Yas Company

ماجرای

arjan

آرام همراه آریان